

بررسی روند تحقق عدالت اجتماعی با استفاده از شاخص‌های توسعه انسانی در ایران طی دو دهه اخیر

رحمت‌اله بهرامی* - استادیار دانشگاه پیام نور، گروه جغرافیا، ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۲۵

دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۸

چکیده

یکی از بحران‌های اساسی که انسان‌ها با آن رو برو هستند، بحران فقر و بی‌عدالتی است. بسیاری از حکومت‌ها مهمترین شعار خود را تحقق عدالت اجتماعی و دسترسی یکسان ساکنین کشور به تمامی امکانات و تسهیلات لازم برای یک زندگی سالم و شرافتمندانه قرار داده‌اند. اما آیا روند برنامه‌ریزی و اجرا به تحقق این هدف منجر شده است؟ آیا واقعاً اثرات توسعه به همه انسان‌ها می‌رسد؟ آیا همان‌طور که در تمامی برنامه‌های توسعه اعلام می‌شود، بیشترین اثرات توسعه به کسانی می‌رسد که به آن نیاز دارند یا برعکس منافع عمدتاً به سمتی سوق پیدا می‌کند که از امکانات بیشتری برخوردارند؟ برای پاسخ‌گویی به این سوالات، این نوشته در نظر دارد روند ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی را در سطح استان‌های کشور، مورد بحث و بررسی قرار دهد. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های نسبتاً مناسبی که در سطوح کلی معیارهای توسعه انسانی حاصل شده است، این پیشرفت‌ها عمدتاً در بخش‌هایی باقی مانده است که از قبل نیز شرایط و امکانات مناسبی در اختیار داشته و افراد فقیر و نیازمند، کمترین بهره را به دست آورده‌اند. روش این پژوهش مروری، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و یافتن مفاهیم نظری توسعه انسانی و کاربرد شاخص‌های توسعه انسانی و روند آن در ایران بوده است. در تحلیل نهایی از نرم افزار GIS در تعیین درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور استفاده شده است.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، شاخص‌های توسعه انسانی، محرومیت، ایران.

۱. مقدمه

یکی از شاخص‌های مهمی که در تعیین درجه توسعه یافتگی کشورها استفاده می‌شود، شاخص‌های توسعه انسانی است. توسعه انسانی یعنی بهبود کیفیت زندگی یا ارتقاء سطح استانداردهای زندگی افراد در یک کشور و یا منطقه. این در حالی است که با توجه به مطرح شدن مفهوم پایداری در ادبیات جهانی توسعه، این حرکت باید به نحوی انجام شود که توانمندی‌های نسل بعدی را برای تأمین نیازهای خود دچار مشکل نسازد. این هدف نیز زمانی تحقق پیدا می‌کند که ما درک درستی از نیازهای محلی داشته و روندهای بالا به پایین و پایین به بالا را در امر برنامه‌ریزی مورد پذیرش قرار داده و در تمامی مراحل برنامه‌ریزی از نمایندگانه واقعی مردم برای اظهار نظر بهره برده و در نهایت مشارکت و توانمندسازی خانواده‌ها را در دستور کار قرار دهیم. چرا که این امر پیش شرط یافتن راه حل‌های پایدار به حساب می‌آید. بسیار از اندیشمندان معتقدند که کشورهای درحال توسعه به منظور تقویت زیربنای اقتصادی خود، رهایی از وابستگی، رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای و در نهایت رسیدن به توسعه پایدار، بسیج منابع و به خصوص تخصیص‌ها و تصمیم‌سازی‌های مدیریتی، نیازمند شناسایی امکانات و منابع خویش هستند (آذر، ۱۳۸۵: ۵۵). اما این هدف اگرچه لازم به نظر می‌رسد، اما کافی نیست. به همین دلیل این کشورها علاوه بر ضرورت شناسایی منابع و توانمندی‌های خویش، باید با توزیع متناسب اثرات پیشرفت و موفقیت‌های متعدد، زمینه‌های تحقق توسعه را که همانا خانوارهای توانمند و مشارکت جوست را فراهم نمایند. اساساً در سطح مناطق مختلف یک کشور یا منطقه، منابع یکسان توزیع نشده‌اند و به همین دلیل دخالت عالمانه و عامدانه در روند توزیع اثرات توسعه ضروری به نظر می‌رسد.

برای بهبود نظام برنامه‌ریزی و تعیین جایگاه کشور در فرآیند توسعه یافتگی، بهره‌گیری از شاخص‌های عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اجتناب ناپذیر است. با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان تصویری از فرآیند برنامه‌ریزی توسعه یافتگی ارائه نمود. در این راستا اقتصاد دانان در ابتداء به بررسی مسائل توسعه کشورهای در حال توسعه از نگاه رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) به عنوان بهترین شاخص رشد و توسعه اقتصادی کشورها توجه نشان دادند. ولی تجربه کشورها در طی چند دهه گذشته نشان داد که اگر چه رشد اقتصادی شرط لازم برای بهبود زندگی افراد جامعه است ولی شرط کافی نیست (آصف‌زاده و پیری، ۱۳۸۳: ۲۱). چنین نگاهی به توسعه تا دهه ۶۰ میلادی بر نظام برنامه‌ریزی حاکم بود. اما ناکافی بودن معیار درآمد سرانه و رشد اقتصادی در تعیین رفاه شهروندان موجب شد که برخی اقتصاد دانان توجه خود را به شاخص‌هایی معطوف دارند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی در برگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد. نگرش جدید به توسعه طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی مطرح شد که در آن توسعه، فقط سنجش مادی یعنی درآمد و بیکاری و نابرابری نبود، بلکه توسعه، فرآیند چند بعدی تلقی می‌شد که تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایش‌های مردم و نهادهای محلی و ملی و همچنین تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و محو فقر را در پی داشته باشد (تقوایی، ۱۳۸۰: ۳۲). امروزه یکی از شاخص‌های مهمی که در تعیین درجه توسعه یافتگی کشورها استفاده می‌شود، شاخص توسعه انسانی^۱ است. این شاخص،

1. Human Development Index (HDI)

سنجه‌ای مناسب و یکدست برای مقایسه میزان موفقیت کشورها در دستیابی به اهداف توسعه است و به همین دلیل، لازم است که برنامه‌های توسعه‌ی کشورمان در سطح استان‌ها با در نظر داشتن عوامل اصلی این شاخص طراحی شود. همچنین پراکندگی این شاخص در سطح کشور نیز از اهمیت بالایی برخوردار است که باید در اجرای برنامه‌های سنجش شاخص توسعه انسانی در سطح کشور مورد توجه قرار گیرد.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد هر ساله گزارش توسعه انسانی را منتشر می‌کند که در بخشی از آن با استفاده از شاخصی ترکیبی به نام شاخص توسعه انسانی، وضعیت کشورهای مختلف از نظر موفقیت در فراهم آوردن امکان زندگی سالم توأم با دانش و رفاه اقتصادی، مقایسه می‌شود. در همین راستا، دفتر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری گزارشاتی تهیه می‌کند. از آنجایی که یکی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی بازنگری در نظام برنامه‌ریزی است، این تحقیق در واقع به نتایج کلی چشم‌اندازه توسعه انسانی ایران در سطح جهانی و روند آن طی چند دهه اخیر به همراه مشخص سازی جایگاه هر یک از استان‌های کشور، می‌پردازد.

بر این اساس، فرضیه اصلی این تحقیق آن است که بین درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور با شاخص توسعه انسانی هم بستگی و ارتباط مستقیمی وجود دارد و بنابراین مسئولین امر تا دستیابی به عدالت اجتماعی کامل فاصله زیادی دارند. هدف تحقیق تعیین میزان توسعه کشورمان در سطح جهانی و بررسی سطح درجه توسعه انسانی استان‌های کشور است به گونه‌ای که با یک طبقه بندی و گویا نمودن آن با نقشه و نمودار جایگاه هر کدام از مناطق تعیین گردد و مسئولان را در بازنگری تخصیص امکانات و خدمات یاری رساند.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. مبانی نظری

توسعه انسانی یعنی گسترش فرآیند انتخاب افراد. در واقع مفهوم توسعه انسانی گویای آن است که انسان‌ها بتوانند از امکانات و قابلیت‌های موجود در جهت تعالی اهداف انسانی، اجتماعی و تأمین نیازهای فیزیولوژیک خود بهره‌برداری نمایند. به عبارت دیگر، هدف اصلی توسعه بهره‌مند ساختن راستین انسان است. یعنی بهبود کیفیت زندگی افراد انسانی (روشن، ۱۳۸۳: ۶۱).

این شاخص در سال ۱۹۹۰ توسط آمارتیا سن^۱ برنده جایزه نوبل و اقتصاددان پاکستانی محبوب الحق^۲ و با همکاری گوستاو رانیس^۳ استاد دانشگاه ییل و دسای^۴ استاد مدرسه اقتصاد لندن معرفی گردید. از آن زمان تاکنون این روش توسط "برنامه توسعه سازمان ملل" (UNDP) همه ساله مورد استفاده قرار گرفته است. به طوری که محبوب الحق، مشاور ویژه مدیر برنامه توسعه ملل متحد به همراه یک تیم ۱۱ نفره از متخصصان برجسته توسعه حاصل تلاش و مطالعات خویش را در چارچوب شاخص‌های سه گانه در گزارش فوق به جهانیان عرضه نمودند که به شدت مورد توجه قرار گرفت. با

1. AmartyaSen

2. Mahbub-aL-Hag

3. Gustav Ranis

4. Desai

این وجود، این شاخص حداقل در چند مقطع در طی یک دهه گذشته مورد نقد و ارزیابی و اصلاح قرار گرفته است (گزارش سازمان ملل متحد، ۱۹۹۴). این در حالی است که چارچوب کلی آن همچنان به قوت خویش باقی مانده است و اکنون در گزارش‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی با اندکی تعدیل مورد استفاده قرار می‌گیرد (زاهد قنبری، ۱۳۷۳: ۶۶).

شاخص توسعه انسانی، معیاری ترکیبی است که متوسط موفقیت یک کشور را در سه جنبه اساسی توسعه یعنی طول عمر، دانش و استانداردهای زندگی اندازه‌گیری می‌کند. روش اندازه‌گیری هر یک از مؤلفه‌های فوق به این شرح است:

طول عمر یا امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود^۱. دانش با ترکیبی از نرخ رشد باسوادی بزرگسالان و نسبت ثابت نام خالص ترکیبی از آموزش ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی^۲ است. استاندارد زندگی با (PPP) سرانه و یا درآمد اندازه‌گیری می‌شود. البته وقتی جنبه مقایسه بین‌المللی به میان می‌آید، لازم است که سه جنبه فوق با هم ترکیب شده و به شکل یک شاخص واحد بیان شود.

برای محاسبه این شاخص از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{l_{\max} - l_c}{l_{\max} - l_{\min}}$$

در این فرمول L_{\max} نشانگر بالاترین میزان امید به زندگی، بیانگر پایین‌ترین میزان امید به زندگی در تمام کشورهای مورد بررسی و L_c میزان امید به زندگی در یک کشور خاص است که قرار است با سایر کشورها مقایسه شود. در سایر زمینه‌ها نیز این فرمول و برای هر معیار خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در رابطه با وضعیت سواد داریم:

$$w_1 \left(\frac{r_{\max} - r_c}{r_{\max} - r_{\min}} \right) + w_2 \left(\frac{s_{\max} - s_c}{s_{\max} - s_{\min}} \right)$$

در این شاخص:

R_{\max} = بالاترین میزان باسوادی بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی.

R_{\min} = پایین‌ترین میزان باسوادی در کشورهای مورد بررسی.

R_c = میزان باسوادی در کشور مورد نظر است.

به همین ترتیب: S_{\max} , S_{\min} و S_c نشان دهنده میانگین سال‌های تحصیل هستند.

W_1 = وزنی است که برای باسوادی در نظر گرفته شده است و معمولاً مقدار آن $2/3$ در نظر گرفته می‌شود.

W_2 = وزنی است برای سال‌های تحصیل (که معمولاً $1/3$ در نظر گرفته می‌شود). برای محاسبه میزان درآمد نیز از شاخص زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{y_{\max} - y_c}{y_{\max} - y_{\min}}$$

1. Life Expectancy

2. Educational Attainments

البته شاخص درآمد نسبت به بقیه اندکی پیچیده تر است. در واقع این طور فرض می‌شود که هرچه درآمد سرانه افزایش یابد، نقش درآمد در توسعه انسانی کمتر می‌شود. در این شاخص: Y_{max} = بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی.

Y_{min} = پایین‌ترین سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی.

Y_c = سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی. در نهایت سه شاخص بیان شده که از اجزای HDI هستند، با یکدیگر جمع و بر عدد سه تقسیم می‌شود.

$$I = \frac{I_I + I_K + I_Y}{3}$$

میانگین سه مؤلفه مهم شاخص توسعه انسانی در مقیاسی بین صفر تا یک (صفر کمترین و یک بیشترین) محاسبه می‌شود که در هر جامعه شاخص توسعه انسانی ۰/۸ به بالا بیانگر توسعه انسانی "سطح بالا"، ارزش‌های بین ۰/۵ تا ۰/۸ نشانگر "توسعه متوسط" و کمتر از ۰/۵ روایت‌گر توسعه انسانی پایین است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۰: ۳-۲).

این شاخص نشان می‌دهد که هر کشور یا منطقه تا رسیدن به مرحله تأمین نیازهای ضروری برای کلیه ساکنین خود چه مسافتی را باید طی کند. به عبارتی شاخصی است که میزان توانمندی را اندازه‌گیری می‌کند و نشان می‌دهد که اگر مردم سه گزینه اساسی مزبور را در اختیار داشته باشند، خواهند توانست سایر فرصت‌ها را نیز بدست آورند.

مزایای این شاخص:

از مزایای این شاخص می‌توان به موارد زیر اشاره:

- استفاده توأمان از سه عامل کلیدی: امید به زندگی، باسوادی، درآمد سرانه در محاسبه شاخص (صالح نسب، ۱۳۷۴: ۷۹).

- در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی (درآمد سرانه) (عباس‌نژاد، رفیعی امام، ۱۳۸۵: ۳۳). توجه به سلامتی و بهداشت که در واقع بیانگر عملکرد سازمان‌های بهداشتی و در مانی کشور می‌باشد (فیض‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۸).

- با توجه به این که از شاخص مرکزی میانگین استفاده می‌شود، از طری این شاخص می‌توان به موضوع جنسیت نیز پرداخت (قلفی، ۱۳۷۹ و کریم کشته و زمانیان، ۱۳۸۳: ۳۶).

به طور کلی شاخص‌های توسعه انسانی اصول و ضوابطی هستند که دانشمندان و محققین و متخصصان رشته‌های مختلف علوم از بین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، برای مقایسه کشورهای جهان از نظر سطوح کمی و کیفی دستاوردها و استانداردهای زندگی مردم در نظر گرفته‌اند (گریقین‌وگلی، ۱۳۷۹: ۳۶). با استفاده از این شاخص می‌توان اختلافات و تشابهات و پراکندگی‌های منطقه‌ای در کشور را مشخص نمود (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۲) و این مسئله را بر روی نقشه و نمودار ترسیم کرد (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۱).

۲-۲. پیشینه تحقیق

اولین گزارش‌های مربوط به شاخص‌های توسعه انسانی توسط محبوب الحق به همراه تیم ۱۱ نفره او طی سال‌های ۹۸-۱۹۹۰ تهیه و منتشر گردید. این گزارش‌ها بعدها توسط افراد و محققین زیادی مورد استفاده قرار گرفت و روندهای مشابهی برای مشخص کردن کشورها و مناطق به کار گرفته شد. در همین راستا، فرهاد نوربخش در دانشگاه گلاسکو به بررسی شاخص‌های توسعه‌ی انسانی تعدیل یافته (MHDU) پرداخت و بر آن اساس، گروهی از کشورهای منتخب را رتبه نمود که در این بررسی کانادا حائز رتبه اول و دانمارک دارای رتبه بیست و دوم شد (نوربخش، ۱۳۸۲: ۳۴). بعدها هنهام به محاسبه شاخص‌های توسعه انسانی در ایالت ویرجینیای غربی در آمریکا پرداخت. در این تحقیق از سه شاخص توسعه انسانی استفاده شد و در نتیجه‌گیری اعلام شد که مناطقی که شاخص توسعه انسانی آنها در گروه ۰/۶۳۵ تا ۰/۷۱۹ قرار دارند، دارای وضعیت مناسب و مناطقی که درجه توسعه آنها پایین‌تر از ۰/۵۰۴ قرار دارند، نامناسب و نیازمند توجه ویژه می‌باشند. در ایران نیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با ارائه گزارشی تحت عنوان "اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران" جامع‌ترین مطالعه را ارائه نمود. بر اساس این مطالعه، استان‌های کشور در سه گروه طبقه بندی شده‌اند (نظری، ۱۳۷۷). علاوه بر این مطالعه افراد دیگری چون عادل آذر از دانشگاه تربیت مدرس، محمدحسین کریم و غلامرضا زمانیان از دانشگاه سیستان و بلوچستان، حکمت‌نیا از دانشگاه پیام نور، آصف‌زاده از دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و حسین عباسی‌نژاد از دانشگاه تهران به تحلیل و بررسی شاخص توسعه انسانی در ایران بر اساس گزارشات بانک جهانی پرداخته‌اند (نوربخش، ۱۳۸۲: ۳۴).

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش مروری، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و یافتن مفاهیم نظری توسعه انسانی و کاربرد شاخص‌های توسعه انسانی و روند آن در ایران است. منابع داده‌ها از سالنامه آماری سال‌های مختلف، دفتر ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی راهبردی، گزارش توسعه انسانی (HDR) در سال ۲۰۰۷ و قبل از آن برنامه توسعه سازمان ملل بوده و در تحلیل نهایی به کمک نرم افزار GIS درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور به نمایش گذاشته شده است.

۴. یافته‌ها

۴-۱. روند شاخص توسعه انسانی ایران در مقیاس جهانی

شاخص‌های توسعه انسانی که هر ساله توسط برنامه توسعه سازمان ملل منتشر می‌شود، مهم‌ترین مرجع جهانی برای ارزیابی میزان رفاه اجتماعی و متغیرهای مرتبط در جوامع مختلف به شمار می‌آید. بر اساس گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۸، شاخص امید به زندگی در ایران عدد ۰.۷۵۹ اعلام شده است که در مقایسه با شاخص ۰/۷۵۴ سال گذشته تا حدی افزایش نشان می‌دهد. سازمان ملل متحد با اعلام این که متوسط امید به زندگی در ایران در سال گذشته ۷۰/۲ سال بوده است، این رقم را در گزارش سال جاری ۷۰/۵ سال اعلام کرده است.

بر اساس این گزارش، سرانه تولید ناخالص داخلی بر اساس شاخص برابری قدرت خرید، ۱۰ هزار و ۳۱ دلار اعلام شد که در مقایسه با ۷۹۶۸ دلار سال گذشته، بیش از ۲ هزار دلار رشد نشان می‌دهد. این گزارش با اعلام این که شاخص تولید ناخالص داخلی ایران در سال گذشته ۰/۷۳۱ بوده است، این شاخص را در گزارش سال جاری ۰/۷۶۹ اعلام کرده است که بهبود قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. در گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۸ اعلام شده است که از کل جمعیت ایران در این سال، قریب به ۱۲ درصد در گروه فقرا قرار دارند، نظر به این که این میزان در سال‌های قبل ۱۲/۹ درصد سال بوده است، قریب به ۰/۹ از این میزان کاسته شده و روند مثبتی را نشان می‌دهد. بر این اساس، ایران از نظر فقر بین ۱۳۵ کشور در حال توسعه، رتبه ۵۱ را به خود اختصاص داده است که با توجه به این که در سال قبل این وضعیت به صورت رتبه ۳۰ بین ۱۰۸ کشور اعلام شده است، امکان مقایسه دقیق فراهم نمی‌شود. گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۸ نرخ باسوادی افراد بالای ۱۵ سال را در کشور ایران ۸۴ درصد اعلام کرده است که در مقایسه با رقم ۸۲/۴ درصد سال گذشته، رشد بسیار اندکی را نشان می‌دهد. این گزارش شاخص آموزش در کشور را ۰/۸۰۴ اعلام کرده است (UND, 2007: 88-89). شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۷ که توسط برنامه توسعه سازمان ملل منتشر گردیده است، بر پایه داده‌های آماری ۲۰۰۵ تهیه شده است. در شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۰۷ وضعیت توسعه انسانی کشورها، در سه گروه شاخص بالا، متوسط و پایین دسته بندی شده‌اند. بر اساس این دسته بندی، ایسلند، نروژ و استرالیا بترتیب بالاترین رتبه را در گروه بالا به خود اختصاص داده‌اند. گروه بالا از ۷۰ کشور تشکیل شده است که علاوه بر کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای آمریکای لاتین، کلیه کشورهای نفتی خاورمیانه (به استثنای ایران و عراق) و لیبی در شمال آفریقا را شامل می‌شود. ایران با قرار گرفتن در رتبه ۹۴ شاخص توسعه انسانی در گروه دوم قرار دارد. در این گروه ۸۵ کشور قرار دارند. مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۷ با رتبه آن در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که در کشورهای نفتی عضو اوپک به جز ونزوئلا و الجزایر (با ۲ رتبه کاهش) و کویت (بدون تغییر رتبه)، بقیه کشورها با صعود در رتبه توسعه انسانی مواجه بوده‌اند. در بین این کشورها عربستان ۱۵ رتبه، قطر ۱۱ رتبه، امارات متحده عربی ۱۰ رتبه، لیبی ۸ رتبه، ایران ۲ رتبه و اندونزی و نیجریه هر یک ۱ رتبه، صعود داشته‌اند.

مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی در سال‌های مختلف به ویژه در مورد کشورهای نفتی نشان می‌دهد که افزایش این رتبه نمی‌تواند به عنوان بهبود در کیفیت زندگی شهروندان تلقی شود. همان گونه که قبلاً اعلام شد، شاخص توسعه انسانی از میانگین سه نماد امید به زندگی، پیشرفت آموزشی و درآمد سرانه بر اساس برابری قدرت خرید بدست می‌آید و درآمد سرانه خود یکی از اجزای شاخص توسعه انسانی است. با بالا رفتن قیمت نفت در آمد سرانه افزایش می‌یابد و این افزایش موجب بالا رفتن شاخص توسعه انسانی گردیده و رتبه شاخص توسعه انسانی را بالا می‌برد، بدون این که لزوماً تغییر عمده‌ای در امید به زندگی و پیشرفت آموزشی حاصل شده باشد. به همین دلیل است که عربستان سعودی با بالاترین میزان صدور و درآمد نفت، در بین کشورهای اوپک در طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۵ با بیشترین میزان صعود در رتبه توسعه انسانی مواجه شده است.

بر اساس این شاخص، مردم ژاپن با متوسط امید به زندگی ۸۲/۳ سال از طولانی‌ترین و سالم‌ترین زندگی در بین مردم سایر نقاط جهان برخوردار هستند. بعد از ژاپن، هنگ کنگ با ۸۱/۹ و ایسلند با

۸۱/۵ سال در رده‌های بعدی قرار دارند. گفتنی است امید به زندگی در کشورهای: نروژ ۷۹/۸، ایالات متحده آمریکا ۷۷/۹، استرالیا، ۸۰/۹ و فرانسه ۸۰/۲ سال است. این شاخص برای مردم کشورمان ۷۰/۲ سال اعلام شده است. مقایسه آمارهای موجود نشان می‌دهد که طول عمر متوسط مردم ایران نسبت به سال ۲۰۰۶، ۰/۵ واحد کاهش یافته است. این رقم ایران را در رده کشورهای چینی: مصر قرار می‌دهد. مقایسه ایران با کشورهای بالای جدول نشان می‌دهد متوسط طول عمر ژاپنی‌ها حدود ۱۲ سال و نروژی‌ها ۹/۵ سال از مردم ما بیشتر است (معاونت برنامه‌ریزی راهبردی دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۸۴).

دومین شاخص در توسعه انسانی، سطح سواد است. این نرخ در بیشتر کشورهای توسعه یافته بالای ۹۹ درصد است. نگاهی به جداول گزارش توسعه انسانی نشان می‌دهد ۱۹ کشور برتر دارای نرخ باسوادی ۱۰۰ درصد هستند. گفتنی است این نرخ در کشورمان ۸۲/۴ درصد است که هرچند از متوسط جهانی آن، یعنی ۷۸/۶ درصد بالاتر است، اما در میان کشورهای هم‌تراز، نرخ مطلوبی محسوب نمی‌شود. این رقم در کشورهای نفت خیز خاورمیانه مانند: کویت ۹۳/۳، قطر ۸۹/۰، امارات ۸۸/۷ و کشورهای درحال توسعه‌ای چون چین ۹۰/۹ و ترکیه ۸۷/۴ درصد است.

در شاخص سوم یعنی درآمد سرانه، ایران با درآمد سرانه‌ای معادل ۷۹۶۸ دلار براساس برابری قدرت خرید، فاصله قابل ملاحظه‌ای با کشورهای چینی: نروژ با ۴۱۴۲۰ دلار و ایالات متحده با ۴۱۸۹۰ دلار، دارد. البته درآمد سرانه ایران از درآمد سرانه کشورهای چینی و هند بالاتر است. شاخص دیگر، شاخص GDP است که در کشورمان معادل ۰/۷۳۱ بوده و پایین‌تر از سطح متوسط جهانی یعنی رقم ۰/۷۶۱ می‌باشد. با توجه به وجود منابع عظیم طبیعی و انسانی در ایران پایین بودن GDP سوالات بی‌جوابی را مطرح می‌کند. این شاخص برای کشورهای نروژ و ایالات متحده ۱/۰ است. برای کشورهای نفت خیز خاورمیانه چون: کویت، قطر و امارات شاخص GDP به ترتیب ۰/۹۳۸/۹۳۰ و ۰/۹۲۵ اعلام شده است.

اما روند رشد شاخص توسعه انسانی ایران در سطح جهانی براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، نشان می‌دهد که این شاخص در ایران از ۰/۵۷۱ در سال ۱۹۷۵ به رقم ۰/۷۵۹ در سال ۲۰۰۵ رسیده است. در طول ۳۰ سال گذشته، بیشترین مقدار رشد مربوط به پنج ساله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ بوده که رشدی ۶/۴ درصدی را نشان می‌دهد. طی این مدت کشور چین از امتیاز ۰/۵۳۰ در سال ۱۹۷۵ و رتبه‌ای پایین‌تر با سرعت بیشتری از ایران رشد یافته و با دست یافتن به امتیاز ۰/۷۷۷ در سال ۲۰۰۵، ۱۳ پله بالاتر از ایران قرار گرفته است. طی ۳۰ سال گذشته شاخص کشورهای نروژ و ایالات متحده از ۰/۸۷۰ به ترتیب به رقم‌های ۰/۹۶۸ و ۰/۹۵۱ رسیده و رتبه‌های دوم و دوازدهم را برای این دو کشور در گزارش ۲۰۰۷ به ارمغان آورده است. جدول (۱) تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP) و رتبه شاخص توسعه انسانی (HDI) در کشورهای نفت خیز خاورمیانه و شمال آفریقا را نشان می‌دهد (UNP, 2006: 95-96).

۲-۴. سیمای شاخص توسعه انسانی در استان‌های کشور

طی سال‌های اخیر روند رشد شاخص توسعه انسانی در ایران افزایش مستمری را نشان می‌دهد. به عنوان مثال سال شاخص مورد نظر در ۱۳۷۰ معادل ۰/۶۷۰ بوده است که در سال ۱۳۸۵ به

۰/۷۸۸ افزایش یافته است. این در حالی است که شاخص تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۵ معادل ۰/۷۳۰، شاخص آموزش ۰/۸۵۱ و شاخص امید به زندگی ۰/۷۸۲ بوده است. در سال ۱۳۸۵ شاخص درآمد ملی به دلیل افزایش درآمد سرانه به ۰/۷۳ افزایش یافته است. شاخص امید به زندگی نیز از ۰/۷۵۵ در سال ۱۳۸۴ به رقم ۰/۷۸۲ در سال ۱۳۸۵ افزایش رسیده است. شاخص آموزش نیز روند نسبتاً مشابهی را طی کرده است و از ۰/۸۴۹ در سال ۱۳۸۴ به رقم ۰/۸۵۱ در سال ۱۳۸۵ ارتقا پیدا کرده است. افزایش بوجود آمده در اجزای فوق‌الذکر باعث شده است که شاخص توسعه انسانی از ۰/۷۷۷ در سال ۱۳۸۴ به ۰/۷۸۸ در سال ۱۳۸۵ بهبود پیدا نماید. بر این اساس، نرخ رشد شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۸۵ معادل ۱/۴ درصد بوده است. این نرخ رشد در مقایسه با سال‌های قبل از سال ۱۳۸۲ کاملاً محسوس می‌باشد. به نظر می‌رسد این رشد عمدتاً نتیجه بهبود درآمدهای نفتی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران حادث شده است. البته توزیع درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران و تبعات ناشی از آن از موضوع‌های قابل بحثی است که در این نوشته مجال پرداختن به آن نیست. در واقع در محاسبه شاخص توسعه انسانی منظور کردن درآمد سرانه برای تمام افراد جامعه با اشکال‌های فراوانی روبه‌رو است. طبیعی است که قدرت خرید افراد جامعه به صورت یکسان بهبود نیافته است. این موضوع به ویژه برای بیکاران، جوانان جویای کار و زنان سرپرست خانوار که درصد قابل توجهی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

جدول ۱. تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP) و رتبه شاخص توسعه انسانی (HDI) در کشورهای منتخب

کشور	تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP)	شاخص توسعه انسانی	رتبه PPP	رتبه HDI	شکاف بین PPP-HDI
قطر	۳۶۶۳۲	٪۸۷۵	۹	۳۵	-۲۶
اتریش	۳۶۳۶۸	٪۹۴۸	۱۰	۱۵	-۵
امارات متحده عربی	۳۴۱۰۹	٪۸۶۸	۱۶	۳۹	-۲۳
سوئد	۳۴۷۳۵	٪۹۵۶	۱۵	۶	+۹
کویت	۲۰۸۸۶	٪۸۹۱	۳۶	۳۳	+۳
مجارستان	۲۰۰۴۷	٪۸۷۴	۳۸	۳۶	+۲
عربستان سعودی	۱۶۵۰۵	٪۸۱۲	۴۶	۶۱	-۱۵
آرژانتین	۱۶۰۸۰	٪۸۶۹	۴۹	۳۸	+۱۱
لیبی	۱۲۸۴۸	٪۸۱۸	۵۷	۵۶	+۱
شیلی	۱۲۸۱۱	٪۸۶۷	۵۸	۴۰	+۱۸
ایران	۸۵۳۵	٪۷۵۹	۷۹	۹۴	-۱۵
پاناما	۸۵۹۳	٪۸۱۲	۷۶	۶۲	+۱۴

منبع: world Bank, 2007

بررسی شاخص‌های توسعه انسانی طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۰ نشان از ناموزونی و ناهماهنگی قابل توجهی دارد که میان این شاخص به طور کل و حتی در زیر شاخص‌ها مشاهده می‌شود. این در حالی است که در سطح استان‌های کشور پراکندگی و تفاوت‌های زیادی در رابطه با شاخص‌های توسعه انسانی دیده می‌شود. اگر استان‌های کشور را بر اساس شاخص توسعه انسانی مطابق تقسیم بندی جهانی دسته بندی کنیم، در سال ۱۳۸۵، فقط استان تهران در گروه استان‌های با توسعه

انسانی بالا و سایر استان‌ها در گروه توسعه انسانی متوسط قرار می‌گیرند. در یک مقایسه درون کشوری و براساس تقسیم بندی اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، استان‌های کشور در سال ۱۳۷۵ به سه گروه کاملاً متفاوت قابل تفکیک هستند:

گروه اول استان‌های با شاخص بالاتر از ۰/۷۵۰ شامل استان‌های: تهران، قم، اصفهان، فارس، یزد، گیلان، سمنان و مرکزی.

گروه دوم استان‌های با شاخص ۰/۷۵۰ تا ۰/۶۵۰ شامل استان‌های: کرمانشاه، خوزستان، کرمان، مازندران، آذربایجان شرقی، بوشهر، اردبیل، خراسان، هرمزگان، چهارمحال، لرستان و ایلام.

گروه سوم تحت عنوان استان‌های با توسعه انسانی پایین‌تر از ۰/۶۵۰ شامل استان‌های: آذربایجان غربی، زنجان، همدان، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان و سیستان و بلوچستان.

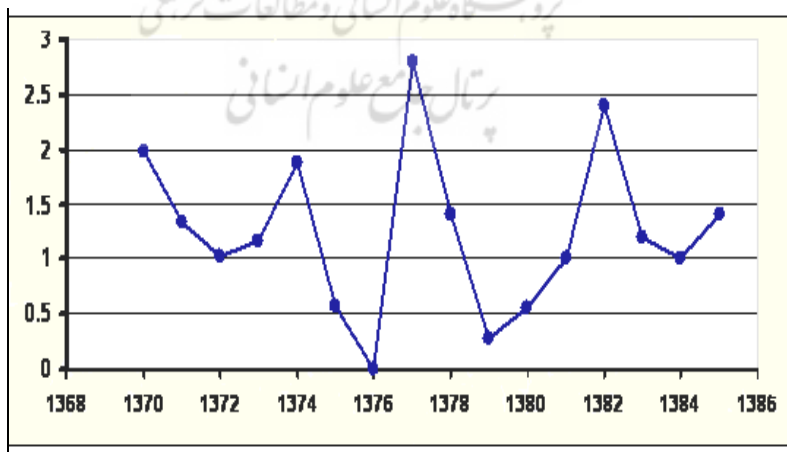
مطابق جدول شاخص توسعه انسانی کشور که توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری تهیه شده است، شاخص توسعه انسانی در استان‌های: تهران، اصفهان، قزوین، گیلان و یزد از سایر استان‌ها بالاتر است. علت بالا بودن شاخص‌های درآمدی، سطح آموزش و وضعیت بهتر امید به زندگی در این استان‌ها است. شاخص توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان و کردستان از دیگر استان‌ها پایین‌تر بوده که ناشی از سطح پایین آموزش، شاخص‌های بهداشتی و امید به زندگی است. شاخص توسعه انسانی در این دو استان کمتر از ۰/۶۷ می‌باشد. حسب ارقام شاخص توسعه انسانی تفاوت بالاترین استان و پایین‌ترین استان ۰/۱۴۴ است (تهران و سیستان و بلوچستان). این وضعیت برای آمارهای دهه قبل نیز به همین صورت بوده و تغییرات قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. در دهه ۱۳۷۰ نیز این تغییرات تا حدودی وضعیت استان‌های کشور را به همین منوال نشان می‌دهد و حاکی از آن است که اقدامات انجام شده نتوانسته است شکاف عمیق بوجود آمده را مرتفع نماید. به طوری که در این دهه نیز استان تهران در صدر و سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین رده قرار گرفته و به ترتیب شاخص ۰/۷۵ و ۰/۶۳ را به خود اختصاص داده بودند. اگرچه نمی‌توان تفاوت‌های موجود را ناشی از سیاست‌های یک مقطع زمانی خاص در نظر گرفت. چرا که تحولات ضریب توسعه انسانی بطئی و کند است و تغییر در اجزای آن به سادگی صورت نمی‌گیرد و مستلزم تلاش مستمر طولانی مدت است تا کیفیت زندگی افراد و گروه‌های مختلف تغییر کند.

به هر حال، شاخص توسعه انسانی استان‌های فقیر در مقایسه با استان‌های دارای شاخص توسعه انسانی بالاتر در یک دهه اخیر با روندی رو به رشد مواجه بوده است. اگرچه استانی‌هایی که به دلایل گوناگون به قطب رشد تبدیل شده‌اند، دارای قابلیت‌های برای روند درون‌زایی تحولات اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. بر این اساس و برای آن که سایر استان‌ها از این قابلیت‌ها برخوردار گردند، افزایش سهم استان‌های فقیر از سرمایه‌گذاری‌ها، برخورداری از آزادی عمل در عرصه تصمیم‌گیری، تشویق فعالیت‌های بخش خصوصی، تمرکززدایی در حیطه تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد انگیزه مناسب برای تولید و فعالیت اقتصادی، ضروری به نظر می‌رسد. در این شرایط می‌توان امیدوار بود که توسعه هموارتر و منسجم‌تری در کل کشور اتفاق بیافتد.

با وجود شرایط ارائه شده در فوق و در یک تقسیم‌بندی دیگر، از نظر سیمای توسعه انسانی می‌توان استان‌های کشور را به چهار گروه طبقه بندی نمود. این طبقه بندی با چهار گروه تحت عنوان: فرا توسعه یافته، نسبتاً توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته شناخته می‌شوند. بر این اساس،

شکل (۱) نمای کلی توسعه انسانی را در کشور برای سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد. در میان شاخص‌های توسعه انسانی، دو شاخص آموزشی و امید به زندگی در مقایسه با شاخص درآمدی در وضعیت بهتری قرار دارند. در سال ۱۳۸۴ نیز این تفاوت در سطح کشور و در استان‌ها قابل مشاهده می‌باشد. پایین بودن سطح درآمد در استان‌ها، فقدان سرمایه‌گذاری زیربنایی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، از جمله دلایل مهمی است که در عدم بهبود معیشت گروه‌های فقیر و اقشار کم درآمد نقش مهمی ایفا می‌کند. با توجه به افزایش درآمد سرانه کشور، انتظار می‌رود شاخص اقتصادی استان‌های کشور اندکی بهبود یابد و به تبع آن شاخص توسعه انسانی نیز شرایط بهتری را عرضه نماید. محدودیتی که در زمینه شاخص توسعه انسانی استان‌های کشور وجود دارد، نبود آمارهای به روز در ارتباط با درآمد و هزینه خانوار می‌باشد.

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که در سال‌های انتهایی برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، پنج استان کشور از نظر شاخص توسعه انسانی، در گروه توسعه یافته، ۱۲ استان در گروه نسبتاً توسعه یافته، ۱۱ استان دیگر در گروه در حال توسعه و تنها ۲ استان سیستان و بلوچستان و کردستان در گروه استان‌های توسعه نیافته جای داشتند. مقایسه این شاخص با برنامه سوم نشان می‌دهد که گرچه روند شاخص توسعه انسانی رو به بهبود بوده است، اما نابرابری‌های منطقه‌ای از نظر شاخص توسعه زیاده‌تر شده است. به طوری که دامنه تغییرات توسعه در تهران برابر ۰/۷۹۶ و در استان سیستان و بلوچستان ۰/۶۵۲ بوده است. نکته اساسی‌تر دیگری که در این ارتباط وجود دارد آن است که روند رشد شاخص توسعه انسانی در ایران، یک دست و متعادل نبوده است. چرا که پیگیری روند رشد این شاخص طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۰ نشان می‌دهد که بیشترین فرود در شکل (۱) مربوط به سال ۱۳۷۶ و بالاترین فراز منحنی در سال ۱۳۸۲ بوده است. احتمالاً یکی از دلایل ناموزونی این روند فقدان آمار دقیق و یا مبانی آماری متفاوت است. بر این اساس می‌توان گفت که اگرچه نویدهای در جهت حرکت به سمت عدالت اجتماعی مشاهده می‌شود، اما به دلیل شکاف‌های عمیق بوجود آمده در دهه‌های قبل، تلاش‌های صورت گرفته نمود چندانی نداشته و به نظر می‌رسد که هنوز راه طولانی باقی است تا بتوان این ناهماهنگی‌ها را جبران نمود.



شکل ۱. روند شاخص توسعه انسانی در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۰

جدول ۲. روند رشد شاخص توسعه انسانی طی دهه گذشته

تعداد استان		شاخص توسعه
سال ۱۳۸۴	سال ۱۳۷۵	
۵	۸	توسعه انسانی بالا
۱۲	۴	توسعه انسانی نسبتاً بالا
۱۱	۵	توسعه انسانی متوسط
۲	۹	توسعه انسانی پایین
۳۰	۲۶	تعداد استان

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

امید است که مسئولین امر برنامه‌ریزی کشور با مد نظر قرار دادن نتایج تحقیقاتی از این نوع، در رفع موانع اصلی توسعه هماهنگ و متوازن استان‌های کشور که عمدتاً در قالب کمبود امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پایین بودن هزینه‌های سرانه ناخالص و درآمد سرانه، نرخ اندک سرمایه‌گذاری و کمبود پس‌انداز و ... خود را نشان می‌دهند، اقدامات لازم را به عمل آورند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

توسعه انسانی به این معناست که به انسان‌ها کمک شود تا توان و استعداد نهفته خود را بروز داده و توان فکری و قابلیت‌های فنی و سازماندهی شان را توسعه بخشند. در این راستا توسعه انسانی نیازمند تلاش همه جانبه دولت و نهادهای غیر دولتی و مردم است. به عقیده محققان، امروزه مهمترین مشخصه در ارزیابی موفقیت هر کشوری در دستیابی به توسعه واقعی، شاخص‌های توسعه انسانی است. چرا که زمانی تغییراتی در خدمات بهداشتی می‌توانست با کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان زیر پنج سال همراه شده و تغییرات مهمی در امید به زندگی در بدو تولد ایجاد کند و شاخص توسعه انسانی را افزایش دهد. اما امروزه سطح پیشرفت جوامع مختلفی به حدی رسیده است که برای افزایش امید به زندگی، دیگر مرگ و میر نوزادان و اطفال را نمی‌توانیم عامل اصلی به حساب آوریم. زیرا برای تغییر و افزایش میزان امید به زندگی نیازمند تغییرات بنیادی در نظام سلامت است. به همین ترتیب، روزگاری با اجرای برنامه سواد آموزی امکان افزایش میزان باسوادی برای بزرگسالان را در اختیار قرار می‌داد. اما هم‌اکنون تنها با تغییرات ظاهری در این بخش، نمی‌توانیم این نرخ‌ها را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش دهیم. در نتیجه، افزایش و ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی نیازمند سرمایه‌گذاری در سطوح مدیریتی و زمینه‌های مالی کلان و تحولات اساسی در زیر ساختاری جامعه می‌باشد.

جدول ۳. روند شاخص توسعه انسانی در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۰

سال	شاخص تولید ناخالص داخلی	شاخص آموزش	شاخص امید بزرگی	شاخص توسعه انسانی	نرخ رشد توسعه انسانی
۱۳۷۰	۰/۶۴۰	۰/۷۰۰	۰/۶۷۰	۰/۶۷۰	۱/۹۸
۱۳۷۱	۰/۶۴۵	۰/۷۱۳	۰/۶۸۰	۰/۶۷۹	۱/۳۴
۱۳۷۲	۰/۶۴۶	۰/۷۲۴	۰/۷۰۰	۰/۶۸۶	۱/۰۳
۱۳۷۳	۰/۶۵۲	۰/۷۲۹	۰/۷۳۷	۰/۶۹۴	۱/۱۷
۱۳۷۴	۰/۶۶۰	۰/۷۲۶	۰/۷۴۲	۰/۷۰۷	۱/۸۷
۱۳۷۵	۰/۶۶۱	۰/۷۲۹	۰/۷۴۲	۰/۷۱۱	۰/۵۷
۱۳۷۶	۰/۶۶۲	۰/۷۳۰	۰/۷۴۲	۰/۷۱۱	۰/۰
۱۳۷۷	۰/۶۶۳	۰/۷۳۳	۰/۷۴۲	۰/۷۱۳	۲/۸۰
۱۳۷۸	۰/۶۷۱	۰/۷۳۹	۰/۷۶۰	۰/۷۲۳	۱/۴۰
۱۳۷۹	۰/۶۸۰	۰/۷۲۹	۰/۷۶۷	۰/۷۲۵	۰/۲۸
۱۳۸۰	۰/۶۸۷	۰/۷۷۰	۰/۷۳۰	۰/۷۲۹	۰/۵۵
۱۳۸۱	۰/۶۹۷	۰/۸۲	۰/۷۳۵	۰/۷۴۱	۱/۰۱
۱۳۸۲	۰/۷۲۰	۰/۸۲۵	۰/۷۳۸	۰/۷۶۱	۲/۴
۱۳۸۳	۰/۷۲۲	۰/۸۴۷	۰/۷۴۰	۰/۷۷۰	۱/۲
۱۳۸۴	۰/۷۲۹	۰/۸۴۹	۰/۷۵۵	۰/۷۷۷	۱
۱۳۸۵	۰/۷۳۰	۰/۸۵۱	۰/۷۸۲	۰/۷۸۸	۱/۴
میانگین رشد	۰/۸۸	۱/۳	۱/۱	۱/۱	---

منبع: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری

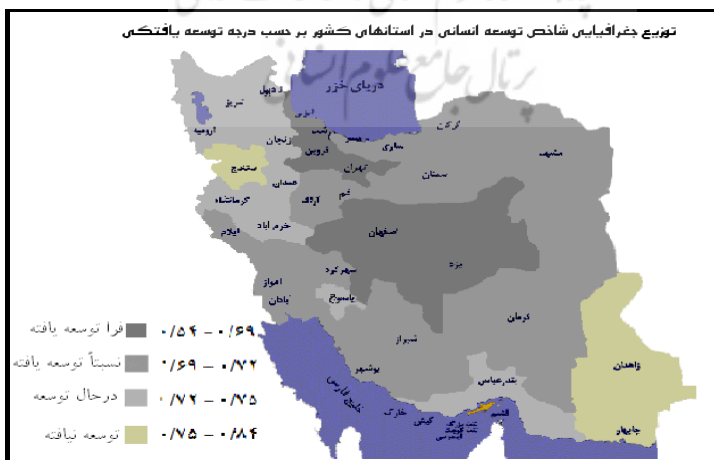
بررسی انجام شده و آمار و اطلاعات ارائه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که روند رشد شاخص‌های توسعه انسانی ایران، تغییرات مثبت و مناسبی پیدا کرده است. به طوری که طبق اعلام این سازمان‌ها، شاخص توسعه انسانی ایران از ۰/۵۷۱ در سال ۱۹۷۵ به رقم ۰/۷۵۹ در سال ۲۰۰۵ رسیده است. بررسی روند تغییرات اجزای فرعی این شاخص نیز نشانگر آن است که شاخص تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۵ معادل ۰/۷۳۰، شاخص آموزش ۰/۸۵۱ و شاخص امید به زندگی ۰/۷۸۲ بوده است. در سال ۱۳۸۵ شاخص درآمد ملی به دلیل افزایش درآمد سرانه به ۰/۷۳ افزایش یافته است. شاخص امید به زندگی نیز از ۰/۷۵۵ در سال ۱۳۸۴ به رقم ۰/۷۸۲ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. شاخص آموزش نیز از ۰/۸۴۹ در سال ۱۳۸۴ به رقم ۰/۸۵۱ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته، این افزایش‌ها موجب ارتقای شاخص توسعه انسانی از ۰/۷۷۷ در سال ۱۳۸۴ به ۰/۷۸۸ در سال ۱۳۸۵ شده است.

با وجود پیشرفت‌های نسبتاً مناسب شاخص‌های توسعه انسانی این امکانات در بین استان‌های کشور به صورت متعادل توزیع نشده است. به همین دلیل نتایج و آثار مثبت توسعه عمدتاً گرایش به استان‌ها و مناطقی داشته است که از قبل شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتری داشته‌اند. شرایطی که نشان می‌دهد ماهیت توسعه در ایران عمدتاً از مدل مرکز-پیرامون تعبیت می‌کند. در واقع پیگیری روند شاخص توسعه انسانی از جمله معیارهایی است که به خوبی روند تحقق عدالت اجتماعی را در کشور نشان می‌دهد. به طوری که نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های سایر تحقیقات به خصوص تحقیقات قبلی کلانتری (۱۳۷۷) و حسین‌زاده دلیر (۱۳۸۵) هماهنگ بوده و نشان می‌دهد که توزیع نتایج توسعه حادث شده، به خوبی توزیع نشده است. اگر چه در مجموع نمی‌توان نشانه‌های مربوط به کاهش اختلاف را در بین استان‌ها نادیده گرفت.

جدول ۴. شاخص توسعه انسانی استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۵

استان	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزشی	شاخص درآمد	شاخص توسعه ۱۳۸۴ در سال	شاخص توسعه در سال ۱۳۷۵
آذربایجان شرقی	۰/۷۲۶	۰/۸۲۵	۰/۵۹۹	۰/۷۱۶	۰/۷۱۹
آذربایجان غربی	۰/۷۰۵	۰/۸۰۵	۰/۵۸۸	۰/۶۹۹	۰/۶۵۰
اردبیل	۰/۷۱۷	۰/۸۳۱	۰/۵۶۲	۰/۷۰۳	۰/۷۰۵
اصفهان	۰/۷۶۳	۰/۸۷۷	۰/۶۵۴	۰/۷۶۵	۰/۷۸۹
ایلام	۰/۶۹۲	۰/۸۶۱	۰/۶۲۴	۰/۷۲۶	۰/۶۷۵
بوشهر	۰/۷۲۴	۰/۸۶۱	۰/۶۴۴	۰/۷۴۳	۰/۷۰۶
تهران	۰/۷۶۶	۰/۹۰۹	۰/۷۱۴	۰/۷۹۶	۰/۸۴۲
چهارمحال بختیاری	۰/۷۲۰	۰/۸۶۶	۰/۶۰۷	۰/۷۳۱	۰/۶۸۲
خراسان	۰/۶۹۷	۰/۸۶۱	۰/۶۱۲	۰/۷۲۳	۰/۶۹۸
خوزستان	۰/۷۳۲	۰/۸۵۶	۰/۶۲۵	۰/۷۳۸	۰/۷۴۶
زنجان	۰/۷۱۰	۰/۸۲۹	۰/۵۹۶	۰/۷۱۲	۰/۶۴۹
سمنان	۰/۷۴۴	۰/۸۷۱	۰/۶۰۶	۰/۷۴۰	۰/۷۵۱
سیستان و بلوچستان	۰/۶۵۳	۰/۷۸۳	۰/۵۲۰	۰/۶۵۲	۰/۵۴۵
فارس	۰/۷۴۱	۰/۸۶۵	۰/۶۳۶	۰/۷۴۷	۰/۷۸۵
قزوین	۰/۷۴۷	۰/۸۷۸	۰/۶۶۹	۰/۷۶۵	-
قم	۰/۷۴۲	۰/۸۶۷	۰/۵۹۰	۰/۷۳۳	۰/۷۹۵
کردستان	۰/۶۶۲	۰/۸۱۱	۰/۵۵۸	۰/۶۷۷	۰/۶۱۹
کرمان	۰/۷۱۲	۰/۸۵۴	۰/۵۹۸	۰/۷۲۱	۰/۷۳۹
کرمانشاه	۰/۷۰۵	۰/۸۴۹	۰/۵۷۰	۰/۷۰۸	۰/۷۴۷
کهگیلویه	۰/۶۸۳	۰/۸۶۲	۰/۵۷۱	۰/۷۰۵	۰/۶۲۳
گلستان	۰/۷۱۴	۰/۸۴۲	۰/۶۶۲	۰/۷۲۶	-
گیلان	۰/۷۶۶	۰/۸۴۳	۰/۵۵۱	۰/۷۵۳	۰/۷۵۹
لرستان	۰/۷۰۲	۰/۸۳۴	۰/۵۷۵	۰/۷۰۲	۰/۶۸۰
مازندران	۰/۷۳۱	۰/۸۵۰	۰/۶۳۴	۰/۷۳۸	۰/۷۲۴
مرکزی	۰/۷۲۹	۰/۸۵۳	۰/۶۲۱	۰/۷۳۴	۰/۷۵۰
هرمزگان	۰/۷۲۰	۰/۸۳۴	۰/۶۰۱	۰/۷۱۸	۰/۶۹۳
همدان	۰/۷۱۴	۰/۸۴۰	۰/۵۷۷	۰/۷۱۰	۰/۶۳۷
یزد	۰/۷۵۶	۰/۸۷۱	۰/۶۰۸	۰/۷۴۵	۰/۷۷۸

منبع: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری



شکل ۲. توزیع جغرافیایی توسعه انسانی در استان‌های کشور بر اساس درجه توسعه یافتگی

۶. منابع

۱. آذر، عادل، ۱۳۵۸، رتبه‌بندی استان‌های کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۷، تابستان، ص ۵۵.
۲. آصف‌زاده، سعید و پیری، زکیه، ۱۳۸۳، مفاهیم توسعه انسانی و روند شاخص توسعه انسانی در ایران، دو فصل نامه طب جنوب، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر، بوشهر، ص ۲۱.
۳. تقوایی، مسعود، ۱۳۸۰، تحلیل و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۲، مشهد، ص ۳۲.
۴. حسین‌زاده دلیر، کریم و ملکی، سعید، ۱۳۸۵، بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره ششم، بهار و تابستان.
۵. روشن، احمد رضا، ۱۳۸۳، شاخص‌های کالبدی و طرح‌ریزی سرزمینی، کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ص ۶۱.
۶. زاهد قنبری، ابراهیم، ۱۳۷۳، گزارش توسعه انسانی و بازار اشتغال، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴، تهران، ص ۶۶.
۷. سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۰، شاخص‌های توسعه انسانی در استان، تبریز، ص ۳-۲.
۸. صالح نسب، غلامحسین، ۱۳۷۴، گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، مجله جهاد، شماره ۱۸۱، تهران، ص ۷۹.
۹. عباسی‌نژاد، حسین و رفیعی امام، علینقی، ۱۳۸۵، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، تهران، ص ۳۳.
۱۰. فیض‌زاده، علی، ۱۳۸۳، بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های توسعه انسانی ایران و کشورهای همسایه، رفاه اجتماعی، سال سوم شماره ۹، تهران، ص ۲۹-۲۸۱۰.
۱۱. قلفی، محمد وحید، ۱۳۷۹، بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در ایران، مسکن و انقلاب، شماره ۹۲، تهران، ص ۱۱.
۱۲. کریم‌کشته، محمد حسین و زمانیان، غلامرضا، ۱۳۸۳، بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان زاهدان، ص ۳۶.
۱۳. کلانتری، خلیل، ۱۳۷۷، شناسایی مناطق عقب مانده در ایران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴۸.
۱۴. گریقین، کیث و گنلی، تری مک، ۱۳۷۵، تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خوجه پور، مؤسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی، تهران، ص ۴۹.
۱۵. معاونت برنامه‌ریزی راهبردی دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۸۴، گزارش توسعه انسانی استان‌های کشور، تهران.
۱۶. نوروزی، غلامرضا، ۱۳۷۹، توسعه انسانی در واپسین سال قرن بیستم، جنگل و مرتع، شماره ۴۸، تهران، ص ۱۱.
۱۷. نوربخش، فرهاد، ۱۳۸۲، توسعه انسانی و تفاوت‌های منطقه‌ای، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۸، تهران، ص ۳۴۱۵.
۱۸. نظری، علی اصغر، ۱۳۷۷، تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخص‌های مهم توسعه انسانی در ایران و کشورهای همجوار، مجله رشد جغرافیا، شماره ۴۹، تهران، ص ۱۶.

19. United Nation Development Programmed., 2007, **what is the Human development? Human Development Reports**, Retrieved 25 April, p88-8923. Chen, W., 2010, **Consumers Change The Market**, Market Analysis on Responsible Consumption of Tea in China. Social Resources Institute, 1st edition. 59 p.

20. United Nations programmed., 2006, **FAQ on the Human Development Reports**, 2006. p.p95-96